

تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی

* علی صادقی

** حسن نقی‌زاده

*** سید محمد کاظم طباطبایی

چکیده

دستاوردهای زبان شناختی معاصر، تفسیر ساختاری قرآن کریم را وارد مرحله جدیدی کرده است. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی مهم‌ترین نظریه زبان‌شناسی متن در حال حاضر مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان است. هدف این نوشتار، آشنا ساختن مفسران و قرآن‌پژوهان با روش‌های جدید زبان‌شناسی به‌ویژه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در حوزه فهم متون دینی است. نگارندگان در این پژوهش، با بهره‌گیری از نظریه زبان‌شناختی هلیدی، سوره کوثر را تفسیر نموده‌اند و با استفاده از ابزاری چون بافت و متغیرهای بافتی، فرانش تجربی و ساختار تعدی، فرانش بینافرادی و ساختار وجهی، فرانش متنی و ساختار صوری و اطلاعاتی متن، نکات معناشناسی جدیدی را درباره سوره کوثر به دست داده‌اند.

واژگان کلیدی

سوره کوثر، تفسیر ساختاری، زبان‌شناسی نقش‌گرا، نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی.

sadeqi110@yahoo.com

naghizadeh@ferdowsi.um.ac.ir

tabatabaei@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۲

*. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

*** استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۶

طرح مسئله

قرآن کریم متنی چندلایه و سرشار از پیچیدگی‌های زبانی - معنایی است. بررسی تاریخ علوم قرآنی، بیانگر تلاش‌های گسترده بشر به منظور کشف معانی الفاظ و ارتباط آنها با یکدیگر است. پیشینه این مسئله در قالب تفسیر قرآن به قرآن و بینامتنی قرآن کریم، به زمان نزول قرآن کریم برمی‌گردد. مفسران و زبان‌شناسان مسلمان، نخست با عناوینی چون نظم قرآن و تناسب میان آیات و سوره به بررسی پیوستگی میان آنها پرداخته و فقط دید جزئی‌نگر داشته‌اند. اما در قرن چهاردهم، آنها با دیدی فراتر از گذشته، به دنبال بیان پیوستگی و ارائه مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از آیات قرآن بوده‌اند، ولی هیچ‌گاه در قالب مجموعه‌ای منظم و یکپارچه به ساختار معنایی و عوامل پیوستگی و انسجام متن اشاره نکرده‌اند، بلکه به صورت جداگانه به هر یک از آنها پرداخته‌اند. زبان‌شناسی متن در زمینه شناخت نظام زبان و ماهیت آن گام‌های بلندی برداشته و نظریات دقیق، جامع و روش‌مندی را عرضه کرده است که در نوع خود بی‌سابقه است. از این‌رو، استفاده از دستاوردها، یافته‌ها و نظریات زبان‌شناختی برای فهم و تفسیر قرآن کریم - به‌عنوان نقطه اوج روش تفسیر ادبی قرآن کریم - می‌تواند زمینه را برای فهم بهینه و روش‌مند کلام الهی آماده‌تر نماید و سایر نگره‌ها را در این عرصه با هم‌افزایی ارتقا بخشد. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای زبان‌شناسی متن که تفسیر قرآن کریم را وارد مرحله جدیدی نموده، ارائه نظام‌مند مباحث معناشناسی است. معناشناسی از علوم نوین‌پدای است که دانشمندان علوم قرآن نیز از آن بهره برده‌اند. معناشناسی دانشی است که به کشف سازوکار اجزای تشکیل‌دهنده یک متن، به‌منظور دستیابی به لایه‌های معنایی آن می‌پردازد و در این راستا به همه عوامل مؤثر در تشکیل معنای متن توجه می‌نماید. معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است.

نگارندگان نیز با هدف آشنا ساختن مفسران و قرآن‌پژوهان با روش‌های جدید زبان‌شناختی در حوزه فهم متون دینی، پژوهش پیش‌رو را سامان داده‌اند. این پژوهش سعی دارد برای مطالعات قرآنی برپایه رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی الگویی معناشناختی را به دست دهد؛ چراکه با این روش، عناصر و ابعاد گوناگونی که تشکیل‌دهنده معنای متن هستند، لحاظ می‌گردد. نظر به اینکه پژوهش حاضر درصدد بررسی روش تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن است، به‌عنوان نمونه و به‌طور تصادفی، سوره کوثر براساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بررسی می‌شود.

کلیات سوره

۱. نام سوره: میان اقوال گوناگونی که مفسران درباره وجه تسمیه سوره‌های قرآن گفته‌اند، ارتباط میان نام سوره و کلیدی‌ترین واژه آن، یکی از بهترین نظرهاست. با توجه به این نکته، نام این سوره برگرفته از حساس‌ترین واژه آن در آیه نخست است.

۲. زمان نزول سوره: این سوره مکی است و براساس قول مشهور پانزدهمین سوره در ترتیب نزول و صدو هشتمین سوره در ترتیب مصحف است که پس از سوره عادیات و پیش از سوره تکوین، در اوایل بعثت پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است. (معرفت، ۱۳۷۸: ۹۰) این سوره سه آیه دارد.

۳. شأن نزول سوره: در روایات درباره شأن نزول این سوره چنین آمده است: عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم ﷺ را به هنگام خارج شدن از مسجدالحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت گفتگو نمود. گروهی از سران قریش در مسجد نشستند و این منظره را از دور مشاهده کردند. هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد، به او گفتند: با که صحبت می‌کردی؟ گفت: «با این مرد ابتر». وی این تعبیر را به این خاطر انتخاب کرد که عبدالله پسر پیغمبر اکرم ﷺ از دنیا رفته بود. توضیح اینکه، عرب کسی را که پسر نداشت، ابتر (بی‌دنباله) می‌نامید، از این رو قریش بعد از فوت پسر پیامبر ﷺ این نام را برای حضرت انتخاب کرده بود. بدین ترتیب سوره فوق نازل شد و آن حضرت را به کوثر بشارت داد و دشمنان او را ابتر خواند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۷ / ۳۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۰ / ۳۷۲) این سوره امتنانی بر رسول خدا ﷺ به سبب اعطای کوثر است و همچنین رضایت خاطر شریف ایشان به سبب اعلان ابتر بودن دشمن ایشان است. (همان: ۳۷۰)

بافت فرهنگی سوره

قرآن کریم در عصر جاهلیت نازل شده است. امیرمؤمنان ﷺ عصر جاهلیت را چنین توصیف می‌کند:

خدا پیامبر اسلام را زمانی فرستاد که مردم در فتنه‌ها گرفتار شده، رشته‌های دین پاره شده و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود. در اصول دین اختلاف داشته، و امور مردم پراکنده بود. راه‌هایی دشوار و پناهگاهی وجود نداشت. چراغ هدایت بی‌نور، و کوردلی همگان را فراگرفته بود. خدای رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌گردید. ایمان بدون یاور مانده و ستون‌های آن ویران گردیده و نشانه‌های آن انکار شده، راه‌های آن ویران و جاده‌های آن کهنه و فراموش گردیده بود. مردم جاهلی شیطان را اطاعت می‌کردند و به راه‌های او می‌رفتند و

در آبخور شیطان سیراب می‌شدند. با دست مردم جاهلیت، نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او بر افراشته گردید. فتنه‌ها مردم را لگدمال کرده و با سم‌های محکم خود نابودشان کرده و پابرجا ایستاده بود. اما مردم حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب‌خورده، در کنار بهترین خانه و بدترین همسایگان زندگی می‌کردند. خواب آنها بیداری، و سرمه چشم آنها اشک بود؛ در سرزمینی که دانشمند آن لب فرو بسته و جاهل گرامی بود. (نهج‌البلاغه، خ ۲)

از سایر متون تاریخی نیز برمی‌آید که بعثت رسول بزرگوار اسلام ﷺ در جهانی سراسر ستم و جهالت صورت پذیرفت. دو امپراتوری بزرگ آن روزگار سالیان درازی بود که درگیر جنگ با یکدیگر بودند و حتی بر سر پادشاهی نزاع‌های درونی داشتند. خسارات سنگین و مخارج هنگفتی که ایران و روم در این جنگ‌ها متحمل شده بودند، هر دو دولت را از کار انداخت؛ آن‌سان که جز شبی از این دو قدرت نیرومند باقی نمانده بود. تجمل‌پرستی و خوشگذرانی پادشاهان و فساد و تباهی آنان، وجود نظام طبقاتی، دریافت مالیات‌های گزاف و غفلت از احوال مردم، شرایط سخت و دهشت‌زایی را فراهم آورده و زمینه را برای نابسامانی مادی و معنوی جوامع آماده کرده بود. (دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۶۵: ۳ - ۱) البته احوال اهالی شبه‌جزیره عربستان از این دو امپراتوری نیز فجع‌تر و اسف‌بارتر بود. آنچه گذشت، وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای آغاز نزول قرآن کریم و نشان‌دهنده بافت فرهنگی سوره کوثر است.

بافت موقعیتی سوره

۱. **گستره گفتمان سوره:** کلام الله مجید و به تبع آن سوره کوثر به لحاظ «گستره گفتمان» به معنای عمل اتفاق افتاده و ماهیت فعالیت اجتماعی رخ داده، از جمله کنش‌های اجتماعی است که زبان، اصلی‌ترین نقش را در وقوع آن ایفا می‌کند. لایه نخست گستره گفتمان را نزول این سوره بر پیامبر اکرم ﷺ و صحنه ارتباط میان او و خداوند تشکیل می‌دهد و چون این کنش، زبان‌محور است، لایه دوم گستره گفتمان؛ یعنی موضوع گفتمان نیز مطرح می‌شود که همان شأن نزول سوره است.

۲. **عوامل گفتمان سوره:** «عوامل گفتمان» سوره، همان ذات، جایگاه و نقش افرادی است که در یک مشارکت اجتماعی حضور دارند. سوره کوثر از این لحاظ نیز دو لایه دارد: لایه نخست، نقش پایدار خداوند و پیامبر اکرم ﷺ در رابطه نبوت است. لایه دوم نیز متکلم بودن خداوند و مخاطب بودن پیامبر اکرم ﷺ و مردم را دربرمی‌گیرد. رابطه میان شرکت‌کنندگان این سوره (خداوند متعال و پیامبر اکرم ﷺ) رابطه‌ای سلسله‌مراتبی و سازمانی است؛ زیرا خداوند، این کنش زبانی را براساس

اراده خود به پیش می‌برد و پیامبر اکرم ﷺ در انجام این کنش، نقش واسطه و پیام‌رسان را برعهده دارد و سهمی جز مخاطب بودن ندارد. این نشان‌دهنده آن است که این کنش زبانی، بر پایه هم‌رتبگی شرکت‌کنندگان بنا نشده است، بلکه در آن متکلم بر مخاطب کاملاً چیره است و مخاطب در این ارتباط کلامی توان هیچ دخل و تصرفی را ندارد.

۳. شیوه گفتمان سوره: از جمله عواملی که بافت موقعیتی را به لحاظ سازمان‌بندی گفتمان متأثر می‌کند، این است که زبان تا چه اندازه در وقوع کنش مشارکت دارد؟ آیا نقشی ضروری و اصلی در کنش ایفا می‌کند، یا اینکه نقشی حاشیه‌ای و فرعی دارد؟ همچنین رسانه یا کانال ارتباطی که از طریق آن متن و گفتمان محقق می‌شود، یا گفتاری است یا نوشتاری.

سوره کوثر به لحاظ «شیوه گفتمان»، رسانه‌ای گفتاری است که در تعیین و آرایش عناصر سخن و گزینش امکانات زبانی و سازمان‌بندی کلام، الزاماتی دارد و مخاطب؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ در شکل‌گیری این سوره هیچ مشارکتی ندارد. از این‌رو، سوره کوثر نه بر مبنای مکالمه، که براساس تک‌گویی شکل گرفته است. با توجه به این مطالب، در تحلیل بافت فرهنگی و بافت موقعیتی سوره کوثر چند نکته درخور توجه است:

یک. اگر حال و اقتضای حال، هر عنصری است که در شکل دادن به حالت مختلف زبان مؤثر باشد - که به‌واقع همین‌گونه هم هست - بحث بافت در زبان‌شناسی به‌ویژه رویکرد نقش‌گرا، با بحث حال در بلاغت اسلامی برابری دارد.

دو. سوره کوثر با تأکید آغاز شده است و این نشان می‌دهد که مخاطب سوره در محیط مکه منکر است. از این روی، خداوند متعال برای انتقال پیام مهم سوره به مخاطب از تأکید بهره می‌برد. سه. کوتاهی سوره از فضای ویژه‌ای حکایت دارد. فضای مکه، فضایی کفرآلود است و سران کفر نسبت به نشر آیات قرآن کریم - که با اهداف، برنامه‌ها، اعمال و رفتار آنان ناسازگار است - مقاومت نشان می‌دهند. بنابراین در این فضا که ایجاد ارتباط با مردم به‌سختی امکان‌پذیر است، تنها سخنان کوتاه مؤثر است و سخنان طولانی راه به جایی نمی‌برد.

چهار. ایجاز در بیان، حرارت در تعبیر، هماهنگی خاص در آهنگ کلمات و لحن کوبنده سوره از یک‌سو، این نکته را متداعی می‌سازد که خداوند قصد دارد از رهگذر این سوره، برای بیدار ساختن مردم به اعماق دل و جان آنها راه یابد تا آنان خود از راه فساد و تباهی بازگردند و در مسیر هدایت و رستگاری گام نهند. از سوی دیگر نیز خداوند متناسب با فضای شعر و شاعری حاکم بر مکه از نیروی شگفت‌آور و سحرآمیز فصاحت و بلاغت در جهت دگرگونی و تغییر مردم آن سامان بهره می‌برد.

فرانقش تجربی؛ ساختار تعدی (فعل و متعلقات آن) در سوره کوثر

زبان در ساده‌ترین سطح خود، جهان را به صورت مجموعه‌ای از رویدادهای در حال جریان (فعل‌ها) بیان می‌کند. این مجموعه شامل چیزهایی (اسم‌ها) می‌شود که می‌توانند از ویژگی‌های خاصی (صفات) برخوردار باشند. تمامی اینها می‌توانند دارای جزئیات پس‌زمینه‌ای مانند مکان، زمان و حالت (قیود) باشند. پس یک جمله می‌تواند از فعل، اسم، صفت و قید تشکیل شده باشد. در صورت استفاده از برچسب‌های نقشی می‌توانیم محتوای بند را در چارچوب فرایندهایی تعریف کنیم که شامل شرکت‌کننده‌هایی می‌شوند که در موقعیت‌های مشخصی در فرایند مورد نظر دخیل‌اند. هلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، این نقش زبان را به فرانقش تجربی^۱ محوّل می‌کند. مکانیسم بیان فرانقش تجربی در زبان، نظام تعدی (گذرایی)^۲ است. نظام تعدی با باب فعل و متعلقات آن در بلاغت اسلامی همپوشانی دارد. نکته کلیدی این است که ساختار تعدی، گزینش نظام‌مند را به دست می‌دهد؛ گزینشی که براساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان صورت گرفته است. از این رو، الگو و نظام تعدی به‌عنوان ابزار روش‌شناختی مهم و قابل‌اعتنا، در حوزه بررسی متون مطرح است. (سیمپسون، ۱۹۸۰: ۲۶) حال اگر متنی براساس نظام تعدی، تجزیه و تحلیل شود، مؤلفه‌های معنایی اساسی جمله و به‌دنبال آن مؤلفه‌های معنایی کل متن شناسایی می‌شود.

فرایندهای^۳ ساخت تعدی سوره کوثر را می‌توان بر این اساس خلاصه کرد:

1. experiential Metafunction.

2. transivity system.

۳. فرایند خود شامل سه عنصر کلیدی است که سازوکار تعدی آنها را از میان گزینه‌های موجود در نظام زبان، انتخاب می‌کند. عناصر هر فرایند عبارت است از: ۱. خود فرایند (process)، ۲. شرکت‌کننده‌های در فرایند (participants)، ۳. موقعیت‌های (شرایط) مربوط به فرایند (circumstances). فرایند عبارت است از: یک رخداد، کنش، احساس، گفتار یا بود و نبود. مشارکین فرایند، عناصر دست‌اندرکار فرایند هستند که زمان، مکان، شیوه، اسباب و شرایط فرایند را تعیین می‌کنند. (تامسون، ۲۰۰۴: ۸۹) انواع فرایندها به‌اختصار بدین شرح است:

یک. فرایندهای مادی (material process): این فرایندها می‌توانند در جواب سؤالاتی مانند چه اتفاقی افتاد؟ یا چه کرد؟ و ... بیان شوند. فرایندهای مادی اعمالی فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارند که طی آن چیزی کاری انجام می‌دهد که ممکن است چیزی دیگر از این کار متأثر شود یا نشود. این کار می‌تواند فیزیکی باشد مانند دویدن و یا غیرفیزیکی باشد مانند پذیرفتن.

دو. فرایندهای رابطه‌ای (relational process): فرایندهایی هستند که به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شوند. رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرایند رابطه‌ای، با استفاده از افعال ربطی و معمولاً با فعل بودن بیان می‌شود. (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۹۰ - ۱۷۹) فرایندهای ذهنی به تجربه فرد از جهان خودآگاهی‌اش مربوط هستند؛ درحالی‌که فرایندهای مادی به تجربه وی از دنیای بیرون مربوط‌اند. (همان: ۱۹۷)

سه. فرایندهای ذهنی (mental process): شامل ادراک، شناخت و واکنش‌های ذهنی می‌شوند. (همان: ۲۱۰)

در زبان عربی، فرایندهای ساخت تعدی براساس عنصری (فعلی) که فرایند را بازنمایی می‌کند، به دو بخش ظاهر و مقدر (مستتر) تقسیم می‌شود. در سوره کوثر، هفت فعل و فرایند وجود دارد که ۵۷ درصد؛ یعنی چهار فعل آن از افعال مستتر و ۴۳ درصد؛ یعنی سه فعل آن از افعال ظاهر است. افعال مستتر عبارت است از: «ابتدا» در «بِسْمِ اللّٰهِ»، «رحم» در «الرَّحْمٰنِ»، «رحم» در «الرَّحِیْمِ»، و «کان» در «اِنَّ شَآئِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ». افعال ظاهر نیز: «أَعْطٰی»، «صلّ» و «انحر» است.

از مجموع افعال و فرایندها، فرایند مادی^۱ با یک فعل ظاهر و دو فعل مستتر و ۴۳ درصد فراوانی، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. فرایند رفتاری با دو فعل ظاهر و ۲۹ درصد فراوانی، و فرایند کلامی و فرایند رابطه‌ای نیز هر یک با یک فعل مستتر و ۱۴ درصد فراوانی در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. از فرایند وجودی و ذهنی نیز سخنی به میان نیامده است. به طور کلی ۵۷ درصد فرایندها؛ یعنی چهار فرایند، اصلی است و ۴۳ درصد؛ یعنی سه فرایند نیز فرعی است. در همهٔ شرکت‌کنندگان فرایندها، انسان و در بیش از نیمی از آنها خداوند حضور دارد. عناصر پیرامونی فرایندها نیز در سوره استفاده نشده است.

جدول (۱): فرایندهای ساخت تعدی

ردیف	فرایند (فعل)	نوع فرایند (فعل)	شرکت‌کنندگان فرایند	عناصر پیرامونی فرایند
۱	ابتدا	کلامی	انسان / خداوند	همراهی ^۲
۲	رحم	مادی (تأثری)	خداوند / انسان	
۳	رحم	مادی (تأثری)	خداوند / انسان	
۴	أَعْطٰی	مادی (تأثری)	خداوند / پیامبر (انسان) / کوثر	

سه فرایند یادشده - چنان‌که پیش‌تر گفته شد - فرایندهای اصلی در نظام تعدی زبان هستند. اینک به فرایندهای فرعی اشاره می‌شود: فرایندهای رفتاری، کلامی و وجودی، فرایندهای فرعی محسوب می‌شوند؛ چرا که در مرز فرایندهای اصلی قرار می‌گیرند. یک فرایندهای رفتاری (behavioral process): بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. این گروه از فرایندها، به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته مربوط می‌شوند. (همان: ۲۴۸) دو فرایندهای کلامی (verbal process): به‌طور کلی شامل فرایندهایی از نوع گفتن بوده و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند. (همان: ۲۵۶ - ۲۵۲) سه فرایندهای وجودی (Existential process): وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی را بیان می‌کنند. این فرایند بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارد. فرایندهای وجودی، با افعالی همانند وجود داشتن، ظاهر شدن و ... بیان می‌شود. (همان: ۲۵۶) ۱. در اینجا فعل مورد استفاده از یک تأثیر و تأثر حکایت دارد و نشانه وقوع یک رخداد است. این رخداد لزوماً ارتباط به عالم ماده ندارد، بلکه معنوی نیز می‌تواند باشد.

2. Accompaniment.

ردیف	فرایند (فعل)	نوع فرایند (فعل)	شرکت کنندگان فرایند	عناصر پیرامونی فرایند
۵	صَلَّ	رفتاری	پیامبر (انسان)	علیت ^۱
۶	انْحَزْ	رفتاری	پیامبر (انسان)	
۷	کان	رابطه‌ای	شائی (انسان) / ابتر	

با توجه به بحث‌های بالا، نکات زیر دربارهٔ ساختار معنایی سوره به دست می‌آید:

۱. وجود هفت فرایند در کوتاه‌ترین سوره قرآن، بدون لطمه زدن به آهنگ و ساختار سوره یا مصنوعی جلوه دادن آن، اوج فصاحت و بلاغت قرآن را در انتقال معارف و مفاهیم مورد نیاز انسان در همهٔ اعصار می‌رساند. این امر نه تنها نشان دهنده دانش و توانایی بی‌حد و مرز متکلم قرآن است، بلکه ناتوانی مخاطب آن (انسان‌ها) را نیز آشکار می‌سازد.

۲. تنها فرایند کلامی سوره، «ابتدا» است. گویندهٔ فرایند کلامی که فعل آن مستتر است، انسان بوده و مخاطب آن خداوند است. از سوی دیگر، گفتار در بازنمایی فرایند رفتاری «صَلَّ» که با فعل ظاهر آمده، نقش عمده دارد. به‌طور کلی با توجه به اینکه در کل قرآن سوره‌ای نیست که در آن فرایند کلامی به کار نرفته باشد، این مسئله اهمیت حیاتی کلام و گفتار را در عرصه ارتباطات می‌رساند. شاید بتوان گفت کثرت فرایندهای کلامی در قرآن به جهت گفتاری بودن زبان قرآن است. بهره‌گیری از فرایندهای مادی، رفتاری، کلامی، رابطه‌ای و به کار نبردن فرایند ذهنی در سوره، نشانه فاصله گرفتن سوره از فضای ذهنی است. همچنین به این نکته اشاره دارد که هنگام جسارت دشمن به مکتب و رهبر جامعه اسلامی باید قاطعانه به صورت قوی و فعلی پاسخ داد و صرف دغدغه ذهنی داشتن یا حضور منفعلانه کافی نیست.

۳. در سوره سه فرایند مادی پشت سر هم آمده‌اند فرایند «رحم» در «الرحمن» و «الرحیم» تکرار شده است که با توجه به نیاز این افعال به کنشگر و کنش‌پذیر حتماً عملی به وقوع پیوسته و یا خواهد پیوست و کنش‌پذیری از آن سود جسته و یا خواهد جست. اینجا خداوند کنشگری است که رحمتش شامل حال همه انسان‌ها و به‌ویژه مؤمنان شده و خواهد شد. تکرار یک فرایند پشت سر هم در ابتدای سوره با مضمون رحمت و بخشایش - با توجه به دیدگاهی که بسمله هر سوره را متعلق به آیهٔ نخست آن سوره می‌داند - در حقیقت بیانگر لطف ویژه و عینی خداوند به پیامبر اکرم ﷺ است. فرایند مادی «أَعْطَى» مهم‌ترین فرایند مادی سوره است؛ زیرا به‌صورت ظاهر آمده است. در این فرایند، خداوند متعال کنشگر، و پیامبر اکرم ﷺ و کوثر کنش‌پذیر هستند. در این فرایند منتی بر رسول خدا ﷺ نهاده شده است. در حقیقت، این فرایند بیان می‌کند که خداوند متعال از اولیای خود

1. Cause.

عملاً دفاع می‌کند و با اعطای کوثری که چشم همه را خیره و عقل همه را مبهوت کند، پاسخ عینی به کسی می‌دهد که به اشرف مخلوقات ابتر بگوید.

۴. در سوره کوثر وجود دو فرایند رفتاری پشت سرهم در آیه دوم بعد از سه فرایند مادی در آیه اول، می‌فهماند که دریافت نعمت خیر فراوان و مستمر، شکرانه عظیم لازم دارد که همراه با آداب و شرایط مطلوب است، هرچند شکر مخلوق هرگز حق نعمت خالق را ادا نمی‌کند.

۵. در سوره کوثر، آنجا که فرایندی نقش مهمی برعهده داشته، به شکل ظاهر، و آنجا که کم‌اهمیت‌تر بوده، به صورت مستتر آمده است. در این سوره فرایندهای مستتر در بسمله و آیه سوم آمده است و همه فرایندهای ظاهر، پشت سر هم در آیه اول و دوم قرار گرفته‌اند. این بدان معناست که آیات اول و دوم از اهمیت برخوردار است و بسمله و آیه سوم زمینه را برای طرح هدف اصلی سوره آماده کرده است.

۶. فرایندهای مختلف درخصوص پیامبر اکرم ﷺ دارای بار معنایی مثبت است، ولی فرایند رابطه‌ای در آیه سوم برای دشمن آن حضرت از بار معنایی منفی برخوردار است.

فرانقش بینا فردی؛ ساختار وجهی^۱ (خبری انشایی) در سوره کوثر

به نظر هلیدی همواره هنگام کاربرد زبان چیز دیگری هم اتفاق می‌افتد و آن تعامل^۲ است؛ یعنی انسان همواره براساس تجارب اجتماعی و شخصی خود با اطرافیان ارتباط برقرار می‌کند و زبان را عرصه کنش متقابل خود می‌سازد. بدین طریق فرانقش بینافردی شکل می‌گیرد. فرانقش بینافردی بند به‌مثابه تبادل^۳ تلقی می‌شود. به عبارتی بند از تعامل گوینده یا نویسنده با مخاطب شکل می‌گیرد. در این تعامل گوینده یا نویسنده و مخاطب هرکدام نقش خاصی را ایفا می‌کنند. برای مثال، گوینده در طرح یک سؤال نقش فردی را دارد که به‌دنبال اطلاعات است، و شنونده نقش فردی را دارد، که اطلاعات خواسته‌شده را باید گزارش کند. در نتیجه عمده‌ترین تعامل دو چیز است: ارائه دادن^۴ و دریافت کردن.^۵ (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۰۷ - ۱۰۶)^۶ این نقش‌های ارتباطی و به بیانی این

۱. وجه یا وجهیت فعل (یا به تعبیر ساده‌تر «وجه جمله») از نظر معنا اصولاً به نگرش متکلم به وقوع یک واقعه اطلاق می‌شود. وجه از نظر صورت به دو دسته کلی اخباری و غیراخباری (انشایی) تقسیم می‌شود.

2. Interaction.

3. Clouse as exchange.

4. Giving.

5. Demanding.

6. Halliday, 2004, p. 106-107.

کنش‌های کلامی در لایه واژی دستوری زبان، به‌وسیله ساختار وجهی^۱ بند تحقق می‌یابد. ساختار وجهی با بحث خبر و انشا در زبان‌شناسی اسلامی تطابق دارد. ساختمان بند در معنای میان‌فردی به دو بخش «وجه»^۲ و «باقیمانده عناصر»^۳ تقسیم می‌شود. وجه در ساختمان بند نقشی اساسی دارد و تشکیل‌دهنده هسته اصلی گفتگو و تعیین‌کننده نوع تعامل است. همچنین نشان‌دهنده نگرش گوینده در تعامل اجتماعی است. در حقیقت، عنصر وجه جایگاه تبلور تعامل بین‌فردی و تأثیر و تأثر دوسویه است؛ عنصری که «فاعل (نهاد)»^۴ «عنصر صرفی (زمان‌دار) یا عنصر خودایستای فعل»^۵ و «ادات وجه‌نما»^۶ را دربرمی‌گیرد. باقیمانده عناصر، سازه‌های دیگر بند هستند که ممکن است نقش‌های «گزاره‌ساز»^۷، «متمم»^۸ و یا «ادات»^۹ را داشته باشند. (بلور و بلور، ۱۹۹۷: ۴۵)^{۱۵}

در این بخش، سوره به‌لحاظ نظام معنایی از زاویه نقش بین‌فردی، و به‌لحاظ نظام‌واژی دستوری از زاویه ساختار وجه مورد بررسی زبان‌شناختی قرار می‌گیرد.

1. mood structure.

2. Mood.

3. Residue.

4. Subject.

۵. عنصر صرفی یا زمان‌دار در فارسی و عربی از زمان و شناسه فاعلی تشکیل شده است. زمان شامل گذشته، حال و آینده است. شناسه فاعلی در فارسی در قالب اول، دوم و سوم شخص مفرد و جمع است و در عربی نیز افزون بر این، با توجه به مذکر یا مؤنث بودن فاعل و نیز به‌تنهایی یا با کسی بودن آن، در مجموع چهارده شناسه می‌شود. از سوی دیگر، وجه فعل نیز در این چارچوب تبیین می‌گردد. وجه فعل، قضاوت گوینده نسبت به وقوع فعل؛ یعنی قطعی یا غیرقطعی بودن یا امری بودن آن را نشان می‌دهد.

6. Finite element.

۷. قضاوت گوینده نسبت به وقوع فعل؛ یعنی قطعی یا غیرقطعی بودن یا امری بودن آن را نشان می‌دهند.

8. Modal Adjuncts.

۹. همان فعل واژگانی است که توسط گروه فعلی منتهای عنصر صرفی بیان می‌شود. بنابراین اگر عنصر صرفی را از فعل جدا کنیم، آنچه باقی می‌ماند، گزاره‌ساز است. در نتیجه گزاره‌ساز، غیرصرفی یا ناخود ایستاست و هر بند الزاماً دارای یک گزاره‌ساز است. گزاره‌ساز بیانگر عمل، حادثه، اتفاق و یا حالتی است که فاعل درگیر آن است، ولی ممکن است نقش‌های دیگری نیز در بند داشته باشد.

10. Predicator.

۱۱. متمم بخشی از جمله است که در جواب به سؤال «چه کسی یا چه چیزی»، داده می‌شود. متمم، عنصری از بند است که بالقوه می‌تواند نقش «فاعل» را داشته باشد و معمولاً نیز به‌صورت گروه اسمی، اسم، ضمیر یا بند ظاهر می‌شود.

12. Complement.

۱۳. نقش ادات معمولاً توسط گروه‌های قیدی یا گروه‌های حرف اضافه‌ای بیان می‌شود.

14. Adjunct.

15. bloor, T. and Bloor, M. 1997, p.45.

ساخت وجهی بندها در سوره کوثر

جدول (۲): بند شماره ۱

بِسْمِ اللَّهِ	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ
متمم	متمم	متمم
باقیمانده		

جدول (۳): بند شماره ۲

إِنَّا		أَعْطَيْنَاكَ			الْكَوْثَرَ
ادات کیفی	متمم	فاعل	عنصر ناخودایستا (گزاره‌ساز)	عنصر خودایستا	متمم
باقیمانده	متمم	عنصر وجه	باقیمانده	عنصر وجه	باقیمانده

جدول (۴): بند شماره ۳

فَ		صَلِّ		لِرَبِّكَ
ادات کلامی	فاعل	عنصر ناخودایستا (گزاره‌ساز)	عنصر خودایستا	
باقیمانده	عنصر وجه	باقیمانده	عنصر وجه	باقیمانده

جدول (۵): بند شماره ۴

وَ		انْحَرْ		
ادات کلامی	فاعل	عنصر ناخودایستا (گزاره‌ساز)	عنصر خودایستا	
باقیمانده	عنصر وجه	باقیمانده	عنصر وجه	

جدول (۶): بند شماره ۵

إِنَّ	شَأْنَكَ	هُوَ	الْأَبْتَرُ
ادات کیفی	متمم	متمم	متمم
باقیمانده	باقیمانده	باقیمانده	باقیمانده

با توجه به مباحث بالا، در سوره کوثر نکات زیر قابل توجه است:

- در این سوره از لحاظ بینافردی، پنج فعل به کار رفته که از نظر زمان، فعل «ابتداء» (زمان حال)، با ۲۰ درصد فراوانی، فعل‌های «أَعْطَى» و «كَانَ» (زمان گذشته) با ۴۰ درصد فراوانی، و دو فعل «صَلِّ» و «انْحَرْ» (فعل امر) نیز با ۴۰ درصد فراوانی، زمان حال و آینده را دربردارد. گفتنی است دستورنویسان زبان عربی تقسیم‌بندی زمانی افعال را به‌درستی تبیین نکرده‌اند؛ بدین صورت که به‌جای تقسیم‌بندی رایج در سایر زبان‌ها؛ یعنی گذشته، حال و آینده، از روش گذشته، حال، امر، نهی و ... استفاده کرده‌اند.

۲. در سوره کوثر از نظر وجه، ۴۰ درصد؛ یعنی دو فعل^۱ دارای وجه امری، و ۶۰ درصد؛ یعنی سه فعل دارای وجه خبری است. وجه خبری برای بیان خبر یا دادن اطلاع است و درجه اعتبار آن از قطعیت تا عدم قطعیت بین ۰ تا ۱۰۰ است و از حیث قطبیت نیز مثبت یا منفی است. در بندهای خبری که در سوره آمده، گزاره‌ها، «بتداً» در زمان حال روی داده، ولی «أعطی» و «کان» در زمان گذشته اتفاق افتاده است. در نظر خداوند متعال هر سه قطبیت مثبت دارند و صد درصد معتبر است. تا زمانی که شونده یا خواننده اعتبار این اطلاعات را برحسب این سه مورد بپذیرد، امکان گفتگو و تعامل برای خالق متن فراهم است. در سوره پیش گفته، دو مورد دیگر؛ یعنی «صلّ» و «انحر» دارای وجه امری است. وجه امری بیانگر امر و دستور است که اغلب با فعل امری همراه است، اما منحصر به آن نیست. ۳. تمام فعل‌های به کاررفته در این سوره فعل معلوم‌اند؛ یعنی فاعل آنها مشخص است و این نشانی از

قطعیت خبر در نزد خداوند متعال است و اینکه خالق متن به آنچه می‌گوید، کاملاً معتقد است.^۱

۴. فاعل فعل‌ها در «بتداً» مفرد مذکر حاضر و در «کان» مفرد مذکر غایب است، ولی در «أعطینا» متکلم مع‌الغیر است و در «صلّ» و «انحر» نیز مفرد مذکر حاضر. ساخت وجهی بندها نشان می‌دهد که فاعل همه افعال به‌جز فعل «أعطینا» در بند دوم مفرد است. خداوند متعال به عنوان فاعل «أعطینا» متکلم مع‌الغیر است و در بین فاعل‌ها پررنگ‌ترین حضور را دارد؛ زیرا هم به شکل ضمیر منفصل «نا»، هم به صورت متصل «نا» و هم به شکل مستتر «نحن» تأکید شده است که این اشاره، نقش مؤثر خداوند متعال در عرصه تعاملات سوره کوثر است. همچنین نشانه هیبت و عظمت ذات خداوندی است. در آغاز سوره، یک انسان (پیامبر اکرم ﷺ) در جایگاه فاعل قرار دارد، ولی چون فعل مقدر است، حضورش کم‌رنگ است، اما در ادامه سوره در بند سوم و چهارم این حضور در قالب دو فعل «صلّ» و «انحر» آشکار تر می‌شود. کم‌رنگ‌ترین حضور را می‌توان در فاعل «کان» مقدر جستجو کرد که این نشانه اوج حقارت آن است. این مسئله می‌رساند که در سلسله مراتب قدرت، خداوند متعال در بالاترین جایگاه قرار دارد، ولی قدرت انسان‌ها به‌نحوه ارتباط آنها با خداوند متعال وابسته است. بندگان خوب در مقام استعانت و امتثال از امر الهی شایسته حضور هستند و این نشانه رفعت شأن پیامبر اکرم ﷺ را می‌رساند، اما بدخواهان ذات اقدس اله و بندگان خوب خدا که روح پذیرش در آنها غایب است، شایستگی هیچ حضوری ندارند.

۵. در بند دوم، کوثر با الف و لام تعریف آمده که نشانه اهمیت و عظمت آن است. از سویی به نظر

۱. اگر افعال مجهول بودند، نظر به اینکه گوینده خداوند متعال است، از لحاظ قطعیت فرقی ندارد، ولی به‌لحاظ ساخت اطلاعاتی و نحوه سازمان‌بندی و ارائه اطلاعات به مخاطب تفاوت دارد؛ یعنی در فرایند مجهول‌سازی، آنچه مهم بوده، اظهار شده و آنچه اهمیت نداشته، حذف شده، یا اینکه گوینده می‌خواهد توجه ذهنی مخاطب را برانگیزاند و به همین دلیل از فرایند مجهول‌سازی استفاده می‌کند.

می‌رسد «کان» مستتر در «إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» گذشته، حال و آینده را دربرمی‌گیرد. خداوند با بهره‌گیری از خاصیت فراگیری کان، به‌رغم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ، همه انسان‌ها را نیز مورد خطاب قرار داده و از سویی زمان سوره را از اختصاص به یک حالت زمانی، به همه حالات زمانی توسعه داده و آن را دائمی و ابدی کرده است؛ زیرا از یک سو گوینده قرآن خالق زمان است و سخنش (ازجمله قرآن) فرازمانی است و از سوی دیگر هدف نزول قرآن ایجاد ارتباط و در نتیجه هدایت انسان‌ها در هر عصر و نسلی است که ویژگی فرازمانی، لازمه آن است. استفاده از این ساختار دستوری سبب گردیده است که بند، از تنگنای زمانی خاص خارج، و همه زمان‌ها را شامل گردد؛ زیرا مخاطب آن، همه انسان‌ها در همه زمان‌هاست. این ساختار، بر بندهای قبلی نیز اثر گذاشته و آنها را از اختصاص به زمان خاصی خارج ساخته و به سطح فراگیری همه زمان‌ها (گذشته، حال و آینده) کشانده است. از همین رو این همنشینی، استمرار را به مفهوم کوثر نیز افزوده است. در حقیقت، کوثر در اینجا معنای دومی را دارا شده و آن خیر کثیر مستمر و جاودان است؛ یعنی چیزی که رسالت پیامبر را جریان و دوام می‌بخشد که با توجه به حدیث ثقلین، «قرآن و عترت» مصادیق تام آن‌اند. در زبان‌شناسی نیز این مسئله مطرح است که معنای نخست^۱ یک واژه، معنایی است که با شنیدن یا گفتن یک واژه، پیش از هر معنای دیگری به ذهن می‌آید. معنای دوم^۲ یک واژه نیز معناهای دیگری است که معمولاً آن واژه با قرار گرفتن در بافت‌های مختلف پیدا می‌کند. برای نمونه، معنای نخست واژه انگلیسی run دویدن است، اما همین واژه می‌تواند در بافت‌های مختلف، معناهای دیگری چون «ذوب شدن»، «نامزد انتخابات شدن»، «آب‌ریزش داشتن»، «جاری شدن» و «کار کردن» را نیز به خود بگیرد. (لارسن، ۱۹۸۴: ۱۰)

۶. از ساختار وجهی سوره کوثر برمی‌آید که خداوند در این سوره، اصول کلی و جهانی زبان‌شناختی را در تعامل با انسان‌ها به کار می‌برد و از زبان به‌عنوان ابزاری برای حفظ و ایجاد ارتباط استفاده می‌کند.

۷. خداوند در روش ارتباطی خود برای اینکه انتقال مفاهیم سوره به‌درستی صورت بگیرد، از دو روش استفاده کرده است:

یک. خداوند در کنار بندهای خبری از بندهای امری که دارای تعامل دو سویه‌اند نیز بهره برده است تا مخاطب سوره، فعال و پویا با موضوع درگیر شده و با سوره ارتباط برقرار کند. بدین طریق خداوند در فضای ارتباطی سوره تعادل ایجاد می‌کند و لحن اقتدارگرانه سوره را تقویت نموده، به هدف خود می‌رسد که همان انتقال پیام سوره مبنی بر جاودانگی پیامبر ﷺ در پرتو اعطای کوثر است.

1. primary meaning.
2. secondary meaning.

دو. استفاده از ادات کیفی و وجه‌نما (در آیات اول و سوم) و بهره‌گیری از وجه تأکیدی که حتمی بودن امری را می‌رساند (در آیه سوم).

۸. سوره با امتنان شروع شده و با امتنان پایان یافته است. در صدر و ذیل سوره، امتنان در قالب بند خبری بیان شده است که این می‌رساند سوره بر محور سوره امتنان بر پیامبر جریان دارد. این مسئله زمانی روشن تر می‌شود که به این ادات وجه‌نما و موارد تأکیدی توجه شود: آیه اول یک خبر پر از تأکید است: «أَنَا» و ضمیر مستتر «نَحْنُ» تأکید را می‌رساند. «ک» نیز اختصاص را می‌رساند که باز بیانگر تأکید است. نشان‌دار بودن بند (جمله اسمیه) نیز نمودار تأکید است. در آیه سوم، «إِنَّ» تأکید را می‌رساند. حصر «هُوَ الْأَبْتَرُ» و نشان‌دار بودن بند (جمله اسمیه) نیز از تأکید خبر می‌دهد، ولی در مقابل هیچ یک از بندهای امری آیه دوم این خصوصیات را ندارند و یک جمله معمولی هستند. با توجه به این توضیحات دانسته می‌شود که جهت و هدف اصلی سوره، امتنان و اظهار لطف است و «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ» که جنبه تکلیفی دارد، تابعی از این امتنان است.

فرانقش متنی؛ ساختار صوری و اطلاعاتی

فرانقش متنی نشان می‌دهد که چگونه یک پیام به کمک زبان و متناسب با بافت انتقال می‌یابد و چگونه آنچه می‌گوییم، با آنچه پیش‌تر گفته شده، مرتبط است. پس این فرانقش، با ساخت متن سروکار دارد. در ادامه از بخش‌های مهم پیام در نزد گوینده، دانسته‌های شنونده، چگونگی سازمان‌بندی اطلاعات، اطلاع نو و کهنه و نقطه آغاز پیام در سوره کوثر، سخن به میان می‌آید.

الف) ساخت مبتدا خبری سوره^۱

۱. سوره کوثر با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ یعنی متمم آغاز می‌شود که به همین دلیل بند مذکور،

۱. در ساخت مبتدا خبری، دو نقش مبتدا و خبر وجود دارند که با هم، نظام مبتدا خبری را تشکیل می‌دهند. این نظام از ساختار بند سخن می‌گوید و به آرایش و چینش کلمه‌ها و عبارت‌ها در بند توجه می‌کند. ساخت اطلاع، غیر از اولین جمله هر متن - که معمولاً تمامش اطلاعی نو را دربردارد - هر جمله دارای دو بخش است: یکی بخشی که اطلاع کهنه (given) خوانده می‌شود؛ یعنی اطلاعی که این جمله را با جمله‌های پیشین یا بافت غیرزبانی مربوط می‌کند که در اصل، تکرار آنهاست، و دیگری بخشی که اطلاع نو (new) نام دارد؛ یعنی اطلاعی که پیش‌تر در متن نیامده و در بافت غیرزبانی هم موجود نیست. هلیدی معتقد است بین ساخت مبتدا خبری و ساخت اطلاعاتی، رابطه معنایی نزدیک وجود دارد، اما این دو مفهوم با وجود مرتبط بودن با هم، بر یکدیگر هم‌پوشی کامل ندارند. ساخت مبتدا خبری، گوینده‌محور (speaker oriented) است؛ درحالی که ساخت اطلاعاتی، شنونده‌محور است. (هلیدی، ۲۰۰۴: ۹۳) به بیانی دیگر، هلیدی تقطیع مبتدا خبری را فرایندی از دید گوینده، و تقطیع اطلاع نو و کهنه را فرایندی از دید شنونده تلقی می‌کند.

نشاندار است. افزوده یا عنصر پیرامونی همراهی^۱ در اینجا مبتداست. مبتدای تجربی نشان‌دار که در آن عنصری غیر از فعل در ابتدای کلام بیاید، نشان‌دهنده دیدگاه ایدئولوژیک گوینده کلام است؛ یعنی گوینده کلام درحالی که می‌تواند یک جمله را به صورت رایج بیاورد (یعنی ساخت VSO را در عربی به کار برد) آن را به منظوره‌های خاص تغییر داده، عنصری غیر از فعل را در ابتدای کلام قرار می‌دهد. وقوع «بِسْمِ اللّٰهِ» در ابتدای کلام نشان تأکید شدید گوینده است. گوینده کلام با برجسته‌سازی این کلمات به دنبال اهداف خاص خود است. به‌طور کلی مبتدا در همه بندها نشان‌دار بوده و ساخت رایج به هم خورده است. این می‌رساند که گوینده پیام درصدد رساندن پیام‌های خاص خود در کل سوره است. همچنین نشان‌دار بودن باعث بیشتر شدن انسجام معنایی و ساختاری متن و در نتیجه موجب توجه خواننده به پیامی می‌شود که گوینده پیام سعی دارد آن را انتقال دهد.

۲. بند دوم و پنجم سوره کوثر، «إِنَّا» و «إِنَّ شَانِئَكَ»، مبتدای بینافردی وجه‌نماست. هنگامی که مبتدا بینا فردی باشد، تلفیق آن با عناصر تجربی که به دنبال آن می‌آید، دیدگاه شخصی گوینده کلام را نسبت به عناصر تجربی معین می‌کند و در واقع نوعی ارزیابی گوینده کلام نسبت به این عناصر است. ممکن است موضوعی از دیدگاه شخص دیگری گفته شود، ولی وقوع عناصر میان‌فردی در مبتدا باعث می‌شود که گوینده کلام نحوه دید و ارزیابی خود را نسبت به موضوع مشخص کند. در بند دوم «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» تأکید ویژه و به‌نوعی مکرر بر گوینده کلام است. کلمه «إِنَّا» مبین آن است که خداوند با تأکید و اطمینان، از حقیقت لطف و عنایت خاص خودش به پیامبر اکرم ﷺ پرده بردارد. در اینجا ساخت رایج به هم خورده و با تأکید بر آن، گوینده پیام درصدد رساندن پیام‌های خاص است. از این‌رو، در ادامه؛ یعنی خبر می‌گوید «الْكَوْثَرَ». در بند پنجم نیز «إِنَّ شَانِئَكَ»، بر زوال و نافرجامی ابدی دشمن بدخواه پیامبر ﷺ تأکید می‌کند و با عبارت «هُوَ الْأَبْتَرُ» از آن خبر می‌دهد.

۳. در بند سوم و چهارم «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» عناصر متنی با عناصر تجربی مبتدای مرکب هستند و «لِرَبِّكَ» نیز خبر است. اهمیت عناصر متنی کمتر از عناصر تجربی و بینافردی نیست، بلکه نقش جداگانه‌ای دارند. نقش آنها ساختار بندی این دو به‌عنوان پیام است. عناصر متنی باعث می‌شود عناصری که به‌عنوان تجربی انتخاب شده‌اند، به‌صورتی نظام‌مند با هم مرتبط شوند تا پیام بتواند بین گوینده و شنونده ردوبدل شود. نقش عناصر متنی مانند «ف» و «و» این است که اجازه دهند متن گسترش یابد. بدون آنها امکان گسترش متن نیست و پیام بین گوینده و شنونده ردوبدل نمی‌شود. بنابراین وجود آنها در متن ضروری است. شایان ذکر است که هرچه محتوای عناصر تجربی متن

1. Accompaniment.

غنی تر باشد، حوزه‌های معنایی بیشتری برای قسمت‌های مختلف متن وجود خواهد داشت و در نتیجه نیاز به عناصر متنی کمتر خواهد شد. ترکیب مبتدای ساده با عناصر متنی یا بینافردی منجر به تولید مبتدای مرکب می‌شود. در این صورت افزوده شدن عناصر متنی معنای دستوری، و عناصر بینافردی معنای اجتماعی را به مبتدا اضافه می‌کند. مبتدای ساده مبتدایی است که ساختمان درونی ندارد؛ یعنی فقط از عنصر تجربی تشکیل شده است.

۴. در بندهای وابسته سوم و چهارم که نشانه انسجام بالای متن هستند، عناصر متنی «ف» و «و»، و در بند پنجم عنصر ارجاعی «ک» امکان ارتباط دو متن را فراهم نموده است و چون هدف متن عوض شده، ساخت متن نیز عوض شده است.

۵. ساخت مبتدا خبری، با سرفصل احوال مسندالیه و مسند به ویژه تقدیم و تأخیر آن دو در علم معانی برابری دارد.

ب) ساخت اطلاعی سوره^۱

۱. اگر از بسمله که در آغاز همه سوره‌ها می‌آید، چشم‌پوشی کنیم، سوره کوثر با «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» با مبتدای مرکب آغاز می‌شود. به همین دلیل بند مذکور، نشاندار است. اطلاع کهنه معمولاً پیش از اطلاع نو می‌آید که حالت بی‌نشان آن را رقم می‌زند، ولی چون اطلاع نو همواره حامل تکیه برجسته است، هرگاه تکیه برجسته روی مبتدا قرار گیرد، برخلاف بند بی‌نشان، مبتدا حامل اطلاع نو خواهد بود. همچنین مبتدای بند اول هر متن همیشه حاوی اطلاع نو است. از این رو با توجه به دو نکته می‌توان به محور اصلی سوره دست یافت:

یک. معمولاً محور کلیدی مباحث هر سوره، در آیه یا آیات نخست آن ذکر می‌شود؛ به گونه‌ای که بین آیه یا آیات نخست هر سوره با تمام آیات آن ارتباط دقیقی برقرار است.
دو. آیه یا آیات نخست هر سوره، فهرست آن سوره به شمار می‌آید. نتیجه آنکه بین آیه نخست سوره با دیگر آیات آن ارتباط تنگاتنگی برقرار است.

بنابراین مهم‌ترین پیام گوینده در این سوره، در آیه نخست آمده و آن جاودانگی پیامبر ﷺ در پرتو اعطای کوثر است که مبتدای متن قرار گرفته است و بندهای بعدی به‌عنوان خبر آن، پس از آن آمده‌اند. براساس آرایش و ترتیب عناصر محتوایی کلام، آنچه در این سوره در درجه اول اهمیت قرار دارد، دو چیز است: یکی امتنان بر پیامبر با اعطای کوثر به او و زوال ابدی دشمن وی، و دیگری لزوم شکر این نعمت.

۱. برای آشنایی بیشتر به پاورقی «ساخت مبتدا خبری» مراجعه شود.

۲. در سوره کوثر گوینده پیام، امتنان بر رسول خدا ﷺ به سبب اعطای کوثر، و ابتر بودن دشمنان ایشان را در نزد شنونده مجهول دانسته (اطلاع نو) و به همین دلیل سخن خود را به صورت نشان‌دار آغاز کرده است. در ادامه، بند سوم و چهارم و پنجم نیز اطلاع نو در مبتدا آمده است (زیرا نشان‌دار است) و اطلاع کهنه در خبر.

۳. ساخت اطلاعی سوره کوثر همسو با اصول ساخت اطلاعی زبان است. به همین سبب به نظر می‌رسد که این دستور چارچوب بسیار خوبی به دست می‌دهد؛ هم برای سنجش معنا به‌طور کلی، و هم برای سنجش تحولاتی که در فرآیند فهم متن در معنای یک ساخت زبانی ممکن است روی دهد.

۴. ساخت اطلاعی و موضوعاتی مانند هنجارگریزی و برجسته‌سازی، و آشنایی‌زدایی (نشان دادن چیزها به شیوه‌ای نو و غیرمعهود) در زبان‌شناسی، با مبحث تقدیم و تأخیر مسندالیه و مسند همپوشانی دارد.

ج) انسجام (فصل و وصل) در سوره

انسجام متنی در پنج نوع خلاصه می‌شود: «ارجاع»، «جانشینی»، «حذف»، «انسجام واژگانی» و «ارتباط منطقی جملات». اما از آنجا که ارجاع، جانشینی و حذف، عناصری دستوری هستند، در ضمن عنوان کلی‌تری به نام انسجام دستوری قرار می‌گیرند. از این‌رو، انواع انسجام را می‌توان در سه گونه «انسجام واژگانی»، «انسجام دستوری» و «ارتباط منطقی بین جملات» بیان کرد. در سوره کوثر ادات گوناگون در انسجام متن ایفای نقش می‌کنند: و عناصر انسجام واژگانی از ۲۵ درصد، انسجام دستوری از ۴۴ درصد و ارتباط منطقی بین جملات از ۳۱ درصد فراوانی برخوردارند. حال به این سه می‌پردازیم:

یک. انسجام واژگانی

در سوره کوثر تکرار واژه وجود ندارد، اما در بند سوم، چهارم و پنجم در واژه‌های «الْكَوْثَرُ»، «انْحَرُ» و «الْأَبْتَرُ» تکرار آوایی (رعایت فاصله) وجود دارد. هر سه واژه چهار حرف دارند و تنها یکبار و آن هم در این سوره آمده‌اند و این نشانه اعجاز ادبی قرآن است. انسان شاید بتواند از سخن دیگران تقلید کند، ولی اگر لازم باشد با لغاتی که هرگز استفاده نکرده است، به خلق متن فاخر در تمام ابعاد بپردازد، کاری نشدنی است. در این بند سوم و چهارم «صَلِّ» و «انْحَرُ» رابطه کل و جزء برقرار است؛ زیرا تکبیر و بالا بردن دست جزئی از نماز است. تکرار آوایی ۷۵ درصد و همایش نیز ۲۵ درصد در انسجام واژگانی سوره کوثر نقش آفرین‌اند.

دو. انسجام دستوری

۱. ارجاع

ارجاع به ماقبل: در زبان عربی، ضمائر نقش عنصر ارجاع شخصی را برعهده دارند و در یک تقسیم‌بندی کلی به ضمائر متصل و منفصل تقسیم می‌شوند. بازگشت ضمیر به واژه یا گروه واژه‌ای - که پیش‌تر ذکر آن رفت - ارجاع به ماقبل نامیده می‌شود. در سوره کوثر دو ارجاع به ماقبل وجود دارد: در بند دوم ضمیر مستتر نحن در «أَعْطَيْنَا» به «إِنَّا»، و در بند پنجم ضمیر بارز «هُوَ» به «شَأْنُكَ» برمی‌گردد.

ارجاع برون‌متنی (موقعیتی): مخاطب برای درک مفاهیم بعضی از واژه‌های قرآن کریم خود را نیازمند اطلاعاتی خارج از متن احساس می‌کند. در چنین شرایطی مخاطب پاسخ نیاز را با استفاده از بافت زبانی و موقعیتی دریافت می‌کند. نمونه این‌گونه ارجاعات در سوره کوثر در بند دوم، سوم و پنجم کاف خطاب به مرجعی از بیرون از متن؛ یعنی پیامبر اکرم ﷺ اشاره دارد.

۲. حذف

منظور از حذف، نیاوردن کلمه یا بخشی از جمله در گفتار است، به گونه‌ای که بتوانیم از لحاظ معنایی وجود آن را دریابیم. حذف، یکی دیگر از راه‌های ایجاد انسجام در متن است.

در سوره کوثر «لِرَبِّكَ» در بند چهارم به خاطر وجود قرینه در بند سوم حذف شده است. ارجاع ۸۷ درصد و حذف ۱۳ درصد در انسجام دستوری سوره کوثر مؤثر هستند.

سه. ارتباط منطقی جملات

گاهی میان جملات متن نوعی ارتباط معنایی وجود دارد. این ارتباط معنایی می‌تواند بیانگر رابطه علی، زمانی، مکانی، نتیجه‌گیری، استثنا، تشابه، تأکید، نفی و ... باشد. درواقع میان تمام جملات متن نوعی رابطه معنایی و منطقی وجود دارد که کل متن را به هم پیوند می‌دهد. این نوع انسجام، ساختار منطقی (ساختار قضیه‌ای) سوره را می‌نمایاند.

جایگاه این عنصر در ساختار متنی به این صورت است که در میان تمام جملات متن نوعی رابطه معنایی و منطقی حاکم است. در یک جمله، مسئله یا مشکلی مطرح می‌شود؛ جمله یا جملات بعدی به این مسئله یا مشکل پاسخ می‌دهد و یا اینکه جمله یا جملات، دلیل بر مدعایی است که قبل از آن مطرح شده است. در سوره کوثر حرف ربط «ف» بین بندهای سوم و چهارم با بند دوم انسجام برقرار کرده است.

۱. ارتباط اضافی (افزایشی)^۱

زمانی که جمله‌واره یا جمله توضیحی، تمثیلی یا مقایسه‌ای، به جمله قبلی اطلاعاتی اضافه نماید، به چنین ارتباطی ارتباط اضافی گفته می‌شود. در سوره کوثر حرف ربط «و» بین بندهای سوم و چهارم ارتباط اضافی ایجاد کرده است.

۲. ارتباط سببی^۲

وقتی رویداد (فعل) یک جمله با رویداد جمله دیگر ارتباط سببی داشته باشد، چنین ارتباطی ممکن است دربرگیرنده علت، شرط، هدف یا نتیجه باشد. در عربی حروف اذ، إن و إن در تعلیل، و حروف أن، باء، فاء، علی، کی، لعل و من در معنای سببی و تعلیلی خود برقرارکننده این نوع ارتباط در درون متن هستند. در سوره کوثر حرف ربط «ف» بین بندهای سوم و دوم و حرف «إن» بین بندهای پنجم و دوم ارتباط سببی را سامان داده است.

۳. ارتباط زمانی

این ارتباط برای بیان توالی زمانی بین رویدادهای دو یا چند جمله و برقراری رابطه معنایی استفاده می‌شود. حرف ربط «ف» بین بندهای سوم و دوم علاوه بر رابطه سببی، رابطه زمانی نیز برقرار کرده است. ارتباط سببی ۵۰ درصد و ارتباط اضافی و زمانی هریک ۲۵ درصد در سازوکار ارتباط منطقی سوره کوثر مؤثر هستند.

نتیجه

۱. از دیرباز تاکنون ساختار و انسجام آیات مورد توجه مفسران بوده و در علم مناسبات، شکل ارتباط‌های بین آیه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. با تبیین بافت فرهنگی و بافت موقعیتی مشخص شد که بررسی دقیق مفاهیم آیات سوره، راهنمای مناسبی برای حدس فضای نزول خواهد بود. بنابراین، هم آگاهی به فضای نزول از بیرون، شاهد خوبی برای استنباط دقیق مضامین سوره است و هم اجتهاد کامل از درون، زمینه مساعدی برای حدس فضای نزول است. در نتیجه، فضای نزول هر سوره و محتوای آن سوره تأثیر متقابل دارند.

۳. در زبان عربی، فرایندهای ساخت تعدی براساس عنصری (فعلی) که فرایند را بازنمایی می‌کند، به دو بخش ظاهر و مقدر (مستتر) تقسیم می‌شود. در سوره کوثر، هفت فعل و فرایند وجود

1. additive relations.
2. causative relations.

دارد که ۵۷ درصد؛ یعنی چهار فعل آن از افعال مستتر، و ۴۳ درصد؛ یعنی سه فعل آن از افعال ظاهر است. افعال مستتر عبارت است از: «ابتدأ» در «بِسْمِ اللَّهِ»، «رحم» در «الرَّحْمَنِ»، «رحم» در «الرَّحِيمِ» و «کان» در «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ». افعال ظاهر نیز «أَعْطَى»، «صَلَّ» و «انحر» است. از مجموع افعال و فرایندها، فرایند مادی با یک فعل ظاهر و دو فعل مستتر و ۴۳ درصد فراوانی، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. فرایند رفتاری با دو فعل ظاهر و ۲۹ درصد فراوانی، و فرایند کلامی و فرایند رابطه‌ای هریک با یک فعل مستتر و ۱۴ درصد فراوانی در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. از فرایند وجودی و ذهنی نیز سخنی به میان نیامده است. به‌طور کلی ۵۷ درصد فرایندها؛ یعنی چهار فرایند، اصلی است و ۴۳ درصد؛ یعنی سه فرایند نیز فرعی است.

در همهٔ شرکت‌کنندگان فرایندها انسان و در بیش از نیمی از آنها نیز خداوند حضور دارد. در سوره، عناصر پیرامونی فرایندها نیز استفاده نشده است.

۴. در سوره کوثر از لحاظ بینافردی، پنج فعل به کار رفته است که از نظر زمان، فعل «ابتدأ» حال با ۲۰ درصد فراوانی، فعل‌های «أَعْطَى» و «کان» گذشته با ۴۰ درصد فراوانی، و دو فعل «صَلَّ» و «انحر» امر نیز با ۴۰ درصد فراوانی، زمان حال و آینده را دربردارد. گفتنی است دستورنویسان زبان عربی تقسیم‌بندی زمانی افعال را به‌درستی تبیین نکرده‌اند؛ بدین بیان که به‌جای تقسیم‌بندی رایج در سایر زبان‌ها؛ یعنی گذشته، حال، آینده، از روش گذشته، حال، امر، نهی و ... استفاده کرده‌اند.

از نظر وجه، در سوره کوثر ۴۰ درصد؛ یعنی دو فعل دارای وجه امری و ۶۰ درصد؛ یعنی سه فعل دارای وجه خبری است. وجه خبری برای بیان خیر یا دادن اطلاع است و درجهٔ اعتبار آن از قطعیت تا عدم قطعیت بین ۰ تا ۱۰۰ است و از حیث قطبیت نیز مثبت یا منفی است. در نظر خداوند متعال سه فعل دارای وجه خبری قطبیت مثبت بوده و صددرصد معتبر است. تا زمانی که شنونده یا خواننده اعتبار این اطلاعات را برحسب این سه مورد بپذیرد، امکان گفتگو و تعامل برای خالق متن فراهم است. در سوره کوثر دو مورد دیگر؛ یعنی «صَلَّ» و «انحر» دارای وجه امری است. وجه امری بیانگر فرمان و دستور است که اغلب با فعل امری همراه است، اما منحصر به آن نیست.

۵. سوره کوثر به‌لحاظ ساخت مبتدا خبری (وقوع مبتدای تجربی نشان‌دار که در آن عنصری غیر از فعل در ابتدای کلام می‌آید) نشان‌دهنده دیدگاه ایدئولوژیک گوینده کلام است؛ یعنی گوینده کلام درحالی که می‌تواند یک جمله را به‌صورت رایج بیاورد (یعنی ساخت VSO را در عربی به کار برد)، آن را به منظوره‌ای خاص تغییر داده، عنصری غیر از فعل را در ابتدای کلام قرار می‌دهد. وقوع «بِسْمِ اللَّهِ» در ابتدای کلام نشان‌دهنده تأکید شدید گوینده است. گوینده کلام با برجسته‌سازی این

کلمات به دنبال اهداف خاص خود است.

۶. از نظر ساخت اطلاعی، مهم‌ترین پیام گوینده در این سوره، در آیه نخست آمده و آن جاودانگی پیامبر ﷺ در پرتو اعطای کوثر است که مبتدای متن قرار گرفته است و بندهای بعدی به عنوان خبر آن، پس از آن آمده‌اند. براساس آرایش و ترتیب عناصر محتوایی کلام، آنچه در این سوره در درجه اول اهمیت قرار دارد، دو چیز است: یکی امتنان بر پیامبر با اعطای کوثر به وی و زوال ابدی دشمن او، و دیگری لزوم شکر این نعمت.

۷. عوامل ایجاد انسجام متن (انسجام دستوری، واژگانی و معنایی) ارتباط گریزناپذیری با هم دارند؛ آنچنان که نبود هر یک موجب گسیختگی متن می‌شود و خواننده را در فهم متن با اشکال مواجه می‌سازد.

۸. با در نظر گرفتن روش‌های تحلیل متنی، دستور نقش‌گرای نظام هلیدی در زبان عربی و قرآن کریم قابل دستیابی است. اما باید توجه داشت که تفسیر ساختاری قرآن کریم بر پایه رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، اگرچه در اصل توجه به متن، با سنت تفسیری اسلامی هم‌آواست، ولی چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ روش‌شناختی دارای آموزه‌ها و سازوکارهایی ویژه در حوزه بافت فرهنگی و موقعیتی و ساختار صوری و معنایی است که به کارگیری آنها در تجزیه و تحلیل سوره‌های قرآن کریم می‌تواند با استناد به شواهد زبانی راهنمای مفسران باشد؛ به گونه‌ای که تعبیر و تفسیر حاصل بیشتر متکی به روش علمی داده‌های زبان‌شناختی باشد تا متکی به تفسیر شخصی مفسر.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، بی تا، گردآوری سید رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، دار الهجرة.

- باطنی، محمدرضا، ۱۳۷۰، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران، امیرکبیر، ج ۴.

- تاکی، گیتی، ۱۳۷۸، «پیوستگی و همبستگی متن در زبان فارسی»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۵، مسلسل ۸، ص ۱۴۰ - ۱۲۹.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، تفسیر تسنیم، ج ۲، قم، اسراء.

- حجازی، محمد، ۱۹۷۰ م، الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم، مصر، دار الکتب الحدیثه.

- دورانت، ویل، ۱۳۶۵، تاریخ تمدن، ج ۳ - ۱، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- رویینز، رابرت هنری، ۱۳۷۰، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران، نشر مرکز.

- شوقی، ضیف، ۱۹۶۰ م، *تاریخ الادب العرب: العصر الجاهلی*، ج ۱، قاهره، دارالمعارف، ج ۲۲.
- صفوی، کوروش، ۱۳۸۲، *معنی شناسی کاربردی*، تهران، همشهری.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۷، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- غلامحسین زاده، غلامحسین و حامد نوروزی، ۱۳۸۹، «نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی»، *ادب و زبان*، ش ۲۴، ص ۲۸۱ - ۲۵۱.
- لطفی پور ساعدی، کاظم، ۱۳۷۱، «درآمدی به سخن کاوی»، *مجله زبان شناسی*، ش ۱۷، ص ۴۰ - ۹.
- _____، ۱۳۸۰، *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مشکوة الدینی، مهدی، ۱۳۷۳، *سیر زبان شناسی*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۸، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۲، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مهاجر، مهران، و محمد نبوی، ۱۳۷۶، *به سوی زبان شناسی شعر: رهیافتی نقش گرا*، تهران، نشر مرکز.
- Bloor, T. and Bloor, M., 1997, *The Functional Analysis of English, A Halliday Approach*. London.
- Eggins, S. 1994, *An Introduction to Systemic Functional Linguistics*, London, Pinter Publishers.
- Halliday, M, A, K and Hasan, R., 1980, *Cohesion in English*, Great Britain, longman.
- Halliday, M.A.K., 1964, "Comparison and translation," In M.A.K. Halliday, M.McIntosh and P. Stevrens, *The linguistic sciences and language teaching*, London, Longman.
- Halliday, M.A.K., 1967, " Notes on transitivity and theme in English, Part 2", *Journal of Linguistics* 3, 177 - 274.
- Halliday, M.A.K., 1978, *Language as social semiotic, The Social interpretation of language and Meaning*, London, Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K., 1985, 2004, *An Introduction to Functional Grammar*, revised edition, London, Edward Arnold.
- Hatim B. & Mason I, 1997, *The Translator as Communicator*, London, New York, Routledge.
- Larson, Mildred L. 1984, *Meaning - Based Translation, A Guideto Cross - Language Equivalence*, Lanham, University Press of America, Neubert, Albrecht.
- Leech and Short, 1981, *Style In Fiction, A Linguistic Introduction to English Fiction Prose*, London Longman.
- Salki, Raphael, 1995, *Text and Discourse Analysis*, Lodon and New York, Routledge.
- Simpson, P., 2004, *Stylistics, a resource book for students*, Routledge, London.
- Thompson, G., 1996, *Introducing functional grammar*, London, Arnold.